

جامه‌سیت

نفت خام و سراب آبادانی

تجربه نفت در

ادبیات داستانی مدرن ایران

رؤیا خوشنویس

ترجمه علی قاسمی منفرد



جامعہ سیاست

مجموعہ جامعہ و سیاست - ۲۳

انتشارات شیرازہ کتاب ما



خوشنویس، رؤیا، ۱۳۶۱-	میرشناسه
نفت خام و سراب آبادانی: تجربه نفت در ادبیات داستانی مدرن ایران/ رؤیا خوشنویس؛ ترجمه علی قاسمی منفرد.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۴۰۱.	مشخصات نشر
۳۱۴ ص.	مشخصات ظاهری
مجموعه جامعه و سیاست؛ ۲۳.	فروست
۹۷۸-۶۲۲-۵۳۴۶-۱۲-۳	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
Crude Oil and Its False Promises of Modernization; Petroleum	یادداشت
Encounters in Modern Iranian Fiction,c2021.	
کتابنامه.	یادداشت
نماینه.	یادداشت
تجربه نفت در ادبیات داستانی مدرن ایران.	عنوان دیگر
نفت در ادبیات	موضوع
Petroleum in literature	
نفت — ایران — صنعت و تجارت — داستان	
Petroleum Industry and Trade -- Iran -- Fiction	
داستان‌های فارسی — قرن ۱۴ — تاریخ و نقد	
Persian Fiction -- 20th Century -- History and Criticism	
قاسمی منفرد، علی، ۱۳۷۱- مترجم	شناسه افزوده
PIR۴۰۰۹	رده بندی کنگره
۸۳۵۴/۸۱۰	رده بندی دیویی
۹۰۸۸۵۲۵	شماره کتابشناسی ملی



نفت خام و سراب آبادانی تجربه نفت در ادبیات داستانی مدرن ایران

نویسنده: رؤیا خوشنویس

مترجم: علی قاسمی منفرد

انتشارات: شیرازه کتاب ما

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

چاپ: پردیس دانش

چاپ اول: بهمن ۱۴۰۱

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

نفت خام و سراب آبادانی

تجربه نفت در ادبیات داستانی مدرن ایران

رؤیا خوشنویس

ترجمه

علی قاسمی منفرد

این کتاب ترجمه‌ای است از

Crude Oil and Its False

Promise of Modernization

Petroleum Encounter in Modern Iranian Fiction

Academisch Proefschrift

ter verkrijging van der graad van doctor

Roya Khoshnevis

December 2021

فهرست مطالب

۹	یادداشت دبیر مجموعه
۱۳	مقدمه
۱۷	دانش‌های انسانی انرژی و مفهوم فرهنگی نفت
۲۲	درونمایه‌های اصلی داستان نفتی در جهان
۲۵	۱. استعمارگری نفت
۲۹	۲. مدرنیته نفتی
۳۳	۳. نیروی کار
۳۵	۴. محیط
۳۷	درونمایه‌های اصلی داستان نفتی ایرانی
۳۷	۱. تمثیل‌های ملی
۴۲	۲. مرکز و حاشیه
۴۳	۳. روابط جنسیتی
۴۵	پرسش‌های تحقیق و طرح کلی فصل‌ها
۴۹	فصل اول: تاریخ ایران، ادبیات مدرن فارسی و مواجهه نفتی
۵۱	دوران آگاهی از نفت
۶۱	کودتای ۱۳۳۲ و دوران کشمکش بر سر نفت

۷۲	 انقلاب اسلامی ایران و ظهور ادبیات انقلابی
۷۴	 نتیجه گیری

۷۷	 فصل دوم: دوران آگاهی از نفت (۱۳۳۲-۱۲۹۰)
۸۰	 بررسی دو قصیده، سروده ملک الشعرای بهار
۸۷	 «قضیه خر دجال» نوشته صادق هدایت
۹۳	 سرگذشت کندوها نوشته جلال آل احمد
۱۰۰	 نتیجه گیری

فصل سوم: دوران نبرد بر سر نفت: داستان‌هایی از احمد محمود،

۱۰۳	 ناصر تقوایی و محمدرضا صفدری
۱۰۷	 «عاشورا در پاییز» و «تابستان همان سال» نوشته ناصر تقوایی
۱۱۷	 «پسرک بومی»، «شهر کوچک ما» و همسایه‌ها نوشته احمد محمود
۱۴۴	 «سیاسنیو» و «اکوسیه» نوشته محمدرضا صفدری
۱۵۶	 نتیجه گیری

۱۵۹	 فصل چهارم: مواجهه نفتی در سینمای ایران: کارگاه فیلم گلستان
۱۶۲	 کارگاه فیلم گلستان و نخستین فیلم‌های نفتی
۱۷۷	 اسرار گنج دره جَنی و جهش اقتصادی دهه پنجاه
۱۹۱	 نتیجه گیری

فصل پنجم: رئالیسم جادویی نفتی در اهل غرق (۱۳۶۸) نوشته منیرو

۱۹۳	 روانی پور
۱۹۸	 از رئالیسم جادویی تا رئالیسم جادویی نفتی
۲۰۹	 رئالیسم جادویی نفتی در اهل غرق
۲۱۷	 نتیجه گیری

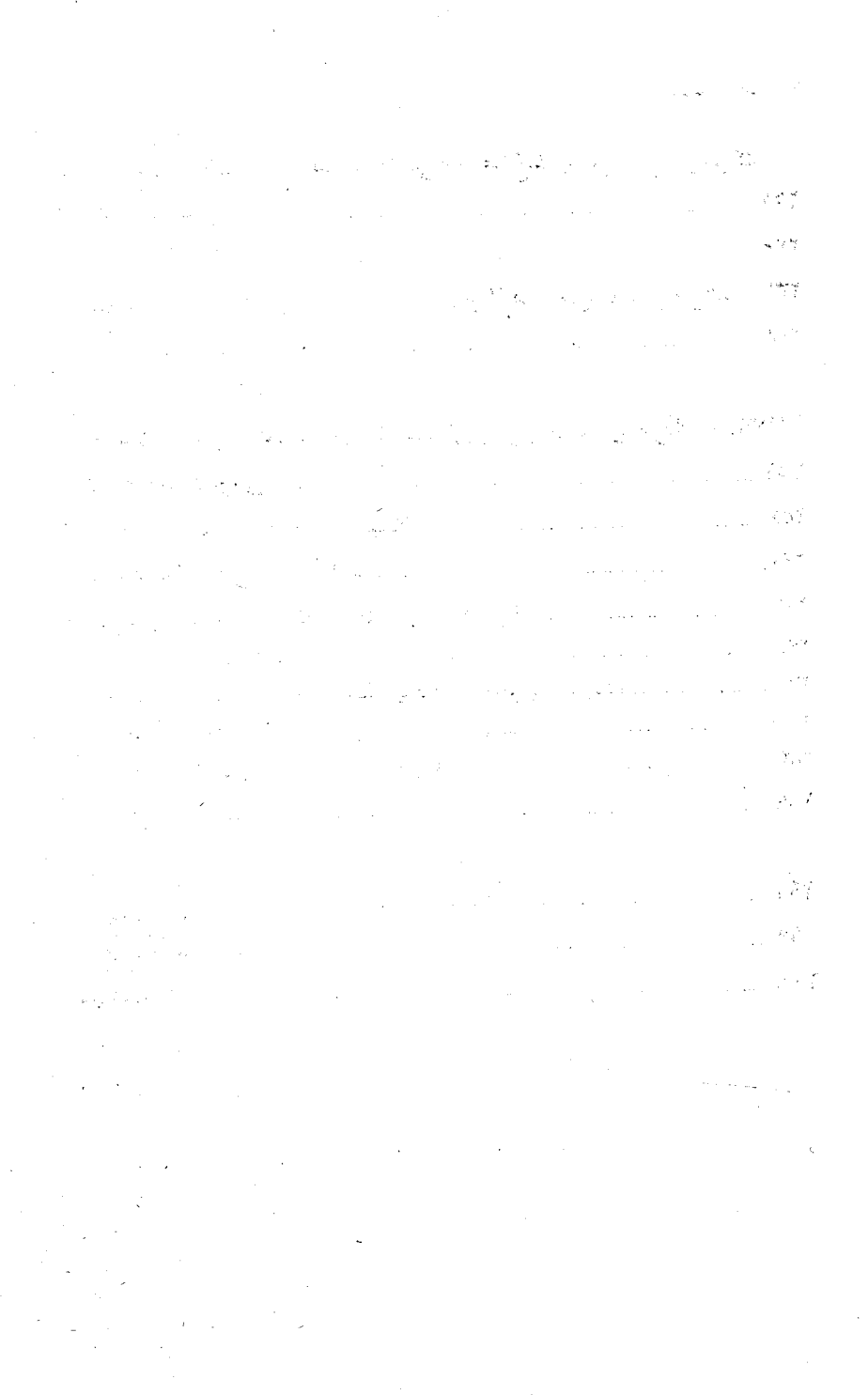
فصل ششم: «خانم شرکت نفتی» آبادانی در چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم

۲۲۱	 نوشته زویا پیرزاد
۲۲۶	 آبادان در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰
۲۳۱	 «خانم شرکت نفتی» در تاریخ ایران و در رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم
۲۴۸	 نتیجه‌گیری

فصل هفتم: «تجربه ناموفق» مردمان بختیاری در رمان سرود مردگان (۱۳۹۰)

۲۵۱	 نوشته فرهاد کشوری
۲۵۶	 تاریخچه صنعت نفت در مسجدسلیمان
۲۶۰	 ماجراهای تقابل نفتی در مسجدسلیمان
۲۶۳	 ویژگی‌های تجربه ناموفق تقابل نفتی در سرود مردگان
۲۶۵	 ۱. موقعیت مبهم کنشگر
۲۷۲	 ۲. نفی کامل هرگونه موقعیت کنشگر یا فاعلیت، یا فردیت نفی شده
۲۷۹	 ۳. فقدان طرح یا چهارچوب روایی
۲۸۴	 ۳. طرح‌ها یا چهارچوب‌های روایی ناکارآمد
۲۸۹	 نتیجه‌گیری

۲۹۱	 سخن پایانی
۲۹۹	 منابع و مآخذ
۳۰۹	 فهرست اعلام



یادداشت دبیر مجموعه

دو عنصر - یکی تجریدی و ذهنی و دیگری انضمامی و عینی - به شکلی گراف گونه بر تاریخنگاری معاصر ایران سیطره دارند و در توضیح و تبیین جهت گیری های آن نقشی فرادست ایفا می کنند، یکی مفهوم مدرنیته است که برای فهم چرایی اهمیت برپایی دولت مدرن نزد نخبگان کشور از اواسط سده ۱۲۰۰ شمسی به کار گرفته می شود و همزمان همچون بانی مهم ترین تنش های اجتماعی و فرهنگی در کشور از همان دوران تا به امروز. نفت، آن عنصر دیگر، یعنی عنصر انضمامی و عینی ای است که پذیرفته شده است که نقشش هم برای درک جهت گیری های برنامه های توسعه شتابان کشور اهمیتی اساسی دارد و هم این نقش به نحو مستمری برای ریشه یابی و توضیح مهم ترین اتفاقات و تعارضات سیاسی ناشی از همین رویکرد سراسیمه به توسعه به کار گرفته می شود. دعوی کتاب حاضر آن است که ادبیات می تواند به عنوان پلی میان این دو عنصر ایفای نقش نموده و از این طریق نه فقط سویه های دیگر و به ویژه مردمی تر این تاریخ نگاری را آشکار سازد، بلکه با تأکید بر جوانب حسانی رشته تجارب زیسته در سطوح خرد، بر غنای بحث بیفزاید.

فرض نویسنده کتاب آن است که مواجهه با نفت - که همزمان با وقوع انقلاب مشروطیت صورت پذیرفت - و برآمدن ادبیات مدرن در ایران همزاد یکدیگرند و آنچه نویسنده نام آن را مدرنیته نفتی می گذارد نه فقط سکوی پرتابی بود برای ادبیات امروزی ایران، بلکه با طرح پرسش های اجتماعی و فرهنگی، ذهن

روشنفکران کشور را به سمت مفاهیم جدیدی سوق داد که همگی در بالندگی این ادبیات سهیم گشتند. نفت و وقایع سیاسی و اجتماعی مرتبط با آن همگی بر داستان‌نویسی یک‌صدساله اخیر تأثیری چشم‌ناپوشیدنی دارند: کشف نفت، صنعتی شدن شهرهایی همچون آبادان و مسجدسلیمان، برآمدن پهلوی اول، رویارویی با قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، کودتای ۲۸ مرداد، تثبیت اقتدارگرایی پهلوی دوم و نهایتاً انقلاب اسلامی ۵۷ و جنگ همه و همه نقش به‌سزایی در شکل دادن به این ادبیات ایفا کرده‌اند. نقشی که در این کتاب به دو دوره متفاوت تقسیم می‌شود. دوره اول که از آن به‌عنوان دوران «کشف و شهود نفت» نام برده می‌شود و طی آن، نفت که با استعاره گنج از آن یاد می‌شود، قبل از رسیدن به دست مردم توسط نیروهای استعماری و ایادی داخلی آنها ربوده می‌شود. دوره دوم، دوران «درگیری نفتی» است که در آن، نفت عامل اصلی تقابل‌های سیاسی در کشور است و همزمان همچون کنشگری ناپیدا و جادویی برسازنده هویت‌های جدید. تقابل‌ها در رویارویی کارگران با مالکان خارجی و داخلی این صنعت رخ می‌نمایند و در وقایعی همچون کودتای ۲۸ مرداد و انقلاب اسلامی بهمن ۵۷ متبلور می‌شوند؛ و کنشگری پنهان، در این کتاب از طریق تأثیر نفت بر سرنوشت زنان به تصویر کشیده می‌شود.

با اینهمه و علیرغم این تأثیرگذاری گسترده بر داستان‌نویسی مدرن و فارغ از محدود تکاپوهای اولیه در ادغام موضوع نفت در شعر و در ادبیات داستانی کشور، نویسنده این کتاب بر این داوری پای می‌فشارد که مواجهه با نفت با تأخیر به زبان داستان درآمد. به عبارت دیگر، در مقایسه با جاگیری سریع و همه‌جانبه نفت در حوزه سیاست و اقتصاد ایران، ورود آن به حوزه داستان با کندی و لکنت زبان انجام شد و هرچند بدون تردید سانسور ناشی از حساسیت‌های نظام سلطنتی به هر آنچه به نفت مربوط می‌شد مسئول بخشی از این تأخیر به‌شمار می‌آید، اما باز هم یک چنین دیرکردی نیاز به توضیح و تبیین دارد. برای یافتن پاسخی به این دیرکرد یا درنگ ادبی، نویسنده به مبحث «نقد» در مطالعات فرهنگی متوسل می‌شود و به کاوش در مفهوم «تجربه» می‌پردازد. او شکست تجربه نفتی - شکستی به بزرگی همان شور و شوق اولیه‌ای که با کشف آن همراه بود - و ممانعت از رویارویی با آن

را دلیل اصلی این دیرکرد و لکنت زبان به‌شمار می‌آورد. لکنت زبانی که وی معتقد است در بررسی و تأمل بر سایر ابعاد این شکست در حوزه‌های متعدد و نه فقط در اقتصاد و سیاست، بلکه در سویه‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی نیز قابل‌رؤیت است.

مراد ثقفی

مقدمه

پژوهشی که پیش رو دارید به بازنمایی نفت در ادبیات مدرن ایران، در فاصله دهه ۱۳۲۰ تا دهه ۱۳۹۰، می‌پردازد. من تصویرگری و نمادپردازی نفت را بررسی و تحلیل می‌کنم؛ همچنین می‌کوشم توضیح دهم تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مواجهه با نفت در آنچه با عنوان ژانر «پتروفیکشن» (داستان نفتی)^۱ شناخته شده، چگونه بازنمایی شده است. توجهم معطوف به این امر است که این ادبیات به چه شیوه‌ای زمینه تاریخی ایران را به کار می‌گیرد؛ زمینه‌ای که در آن، تولید و مصرف نفت از اوایل قرن بیستم گونه‌ای خاص از «مدرنیته نفتی» را شکل داده که نشانه‌های آشکارش دگرگونی‌های پرشتاب اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بوده است.

مقاله‌ای با عنوان «خلیج فارس در دام هیولای نفتی» در ۱۶ مهر ۱۳۹۸ در پایگاه خبری اقتصاد آنلاین منتشر شد.^۲ تعبیر «هیولای نفتی»، همانگونه که در عنوان این مقاله به کار رفته، برای چندین دهه در ادبیات سیاسی و اجتماعی ایران با شدت و حدت به کار می‌رود تا آسیمی که نفت به کشور وارد کرده را برجسته کند. مقاله به موضوع آلودگی نفتی می‌پردازد که تنها یکی از اثرات زیانبخش نفت بر خلیج فارس

1. Petrofiction

۲. «خلیج فارس در دام هیولای نفتی»، اقتصاد آنلاین، دسترسی در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۹۸.

است. آمار ارائه شده شگفتی آور است؛ بر مبنای پژوهشی که محلّ ارجاع مقاله است سالانه حدود پنج میلیون بشکه نفت به آب‌های خلیج فارس می‌ریزد که باعث آسیب و خسارت به زیستگاه‌های دریایی، موجودات زنده درون و اطراف آن و همچنین انسان‌ها می‌شود. مقاله‌ای دیگر در روزنامه همشهری در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۹۸ به این موضوع اشاره می‌کند که خلیج فارس، بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی دریانوردی، جزو مناطق حساس از نظر زیست‌محیطی است (تصویر ۱-۰).^۱ این مقاله به تأثیر مخرب نفت و شیوه تولید و تجارت آن می‌پردازد و تأکیدی است بر ضرورت مطالعه نفت در ایران که از آغاز استخراج در مقام یک ماده ملموس و ساختاری نمادین برای تحولات بنیادین اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به عنوان یک کاتالیزور عمل کرده و برای مردم ایران منادی عصر جدیدی در تاریخ بوده است.

خلیج فارس از ابتدای قرن بیستم به دلیل ذخایر غنی نفت که به تدریج کشف می‌شد، نظر جهانیان را به خود جلب کرد. افرادی از سراسر جهان به این منطقه جذب شدند و آن‌را به یکی از راهبردی‌ترین و از نظر ژئوپلیتیک مناقشه‌برانگیزترین مناطق کره زمین بدل کردند. چنین توجهی تاوانی بس سنگین به همراه داشت؛ چنانکه در جنگ‌های گوناگونی که بر سر نفت در این منطقه درگرفت، از جمله جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹) و جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱-۱۹۹۰/۱۱ مرداد تا ۹ اسفند ۱۳۶۹) میان عراق، کویت و عربستان سعودی، میلیون‌ها انسان از بین رفتند. در نتیجه با وجود آنکه نفت برای کشورهای غربی عنصر اصلی مدرنیته و پیشرفت محسوب می‌شد، برای بسیاری از مردمان منطقه خلیج فارس در کسوت هیولا رخ می‌نمود. در ایران، نفت و صنعتی که پیرامون آن شکل گرفت آینده‌ای سرشار از رفاه و آبادانی را وعده می‌داد که سرابی بیش نبود و برای بیشتر مردمان ایران هیچگاه رنگ واقعیت به خود نگرفت.

آثار هنری، سینمایی و ادبی ایران در باب نفت نمایانگر اثر دگرگون‌کننده آن بر کشور طی قرن بیستم هستند. مدرنیته را، بسیار شبیه به دیگر نقاط جهان، نفت به

۱. «آلودگی نفتی و غیرنفتی اکوسیستم خلیج فارس را حتماس کرده است»، ایسنا (خبرگزاری دانشجویان

ایران آورد و به شیوه‌ای چشمگیر چنان تحولی را رقم زد که بازنمایی‌های فرهنگی قادر به نادیده گرفتن آن نبودند. نفت، به عنوان یک ماده، صنعت یا پدیده‌ای فرهنگی که رفته‌رفته تصورات خاصی را از ایران و جایگاه آن در جهان ایجاد می‌کرد، به شکل‌های گوناگون در هنر، ادبیات و سینمای مدرن کشور خود را نشان داد. مواجهه ادبیات که بیش از هزار سال محبوب‌ترین قالب فرهنگی در ایران بوده است، در نیمه دوم قرن بیستم، و به نحوی بسیار آشکارتر پس از کودتای سال ۱۳۳۲^۱ با نفت آغاز می‌شود. تأثیرات مواجهه با نفت در قالب‌ها و سبک‌های متفاوتی در ادبیات بازتاب می‌یابد، از شعر تا حکایت، از واقع‌گرایی تا تمثیل و معجاز، و از نقد صریح اجتماعی تا هزل و هجو.

بررسی بازنمایی‌های ادبی از نفت ما را یاری می‌کند تا تأثیری که این ماده در شکل‌گیری و توسعه ایران مدرن داشته، و به شکلی خاص‌تر، نقشی که در این زمینه با ایجاد شهرک‌های شرکت نفت در جنوب کشور ایفا کرده را شناسایی و درک کنیم. افزون بر این، چنین مطالعه‌ای تأثیر رو به رشدی را آشکار می‌کند که سایر فرهنگ‌ها در پی ظهور صنعت نفت بر ایران داشتند؛ تأثیری که برای نمونه موجی از ترجمه آثار ادبی جهانی به فارسی، به‌ویژه آثار امریکایی و روسی را به دنبال داشت. بیش از هر چیز با نگاه به ادبیات، و البته برخی تولیدات فرهنگی دیگر که تجربه‌های نفتی را بازتاب می‌دهند، می‌توان به شناخت کامل‌تری از خصوصیات استعماری شهرک‌های شرکت نفت در استان خوزستان و تجربه‌های اغلب آسیب‌زای^۲ اجتماعات محلی درون و پیرامون این شهرک‌ها رسید؛ تجربه‌هایی که توجه چندانی به آنها در گزارش‌ها و روایت‌های تاریخی نشده است.

۱. کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ با حمایت سازمان سیا و به طرفداری از پادشاه، محمدرضاشاه، انجام شد و نخست وزیر وقت ایران، محمد مصدق، را از قدرت ساقط کرد. این کودتا دو ستال پس از ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ که محمد مصدق از طریق دادگاه‌های بین‌المللی آن‌را به سرانجام رسانده بود، به وقوع پیوست. کودتا توسط ایالات متحده، تحت عنوان «عملیات آژاکس»، و انگلستان، تحت عنوان «عملیات چکمه»، راهبری و نظارت می‌شد. برای بررسی همه‌جانبه کودتا نگاه کنید به: Ervand Abrahamian, *The Coup: 1953, the CIA, and the Roots of Modern U.S.-Iranian Relations* (The New Press, 2013)

این کتاب با ترجمه محمدابراهیم فاتحی در نشر نی و با ترجمه ناصر زرافشان در انتشارات نگاه به فارسی منتشر شده است.

همین امر درباره تأثیر نفت بر شرایط زندگی تمام ایرانیان نیز صادق است، از جمله تأثیر مستقیم بر مدرن سازی (دستوری) زنان، تأسیس مدارس و دانشگاه‌ها، ساخت جاده و راه آهن و فرودگاه، و به‌ویژه تأثیر نفت در دوران خیز اقتصادی آن در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰.

به‌رغم آنکه تمرکز اصلی این پژوهش بر ادبیات داستانی مدرن ایرانی است، شماری فیلم نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند - شاخص‌تر از همه /سرار گنج درّه جَنی تولید سال ۱۳۵۳ نوشته و به کارگردانی ابراهیم گلستان. این فیلم در دورانی ساخته شد که موج تازه‌ای در سینمای ایران ظهور می‌کرد و موضوع اصلی آن تأثیرات مدرن سازی وارداتی است. در کنار اینها، با هدف به‌دست‌دادن تحلیلی جامع‌تر از متون ادبی نخستین سال‌های رویارویی با نفت، قرائت دقیقی خواهم داشت از برخی تصاویر به‌جامانده از آن دوران که در موزه بی‌پی (بریتیش پترولیوم یا نفت بریتانیا)^۱ و موزه صنعت نفت ایران به نمایش گذاشته شده‌اند. متون داستانی اصلی که در این پژوهش بررسی شده‌اند، به ترتیب بررسی، عبارتند از: «قضیه خر دُجال» (۱۳۲۳) نوشته صادق هدایت؛ سرگذشت کندوها (۱۳۳۳) نوشته جلال آل‌احمد؛ «پسرک بومی» (۱۳۵۰)، «شهر کوچک ما» (۱۳۵۰) و همسایه‌ها (۱۳۵۳) نوشته احمد محمود؛ تابستان همان سال (۱۳۴۸) نوشته ناصر تقوایی؛ «سیاسنبو» و «اکوسیاه» (۱۳۵۸) نوشته محمدرضا صفدری؛ /سرار گنج درّه جَنی (۱۳۵۳) نوشته ابراهیم گلستان؛ /اهل غرق (۱۳۶۸) نوشته منیر وروانی‌پور؛ چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم (۱۳۸۰) نوشته زویا پیرزاد؛ و سرود مردگان (۱۳۹۰) نوشته فرهاد کشوری. این آثار به این دلیل انتخاب شده‌اند که رخدادهای مکان‌ها و شخصیت‌هایشان نسبتی نزدیک با صنعت نفت داشته‌اند. به غیر از صادق هدایت، تمامی این نویسندگان یا در شهرک‌های شرکت نفت به‌دُنیا آمدند، یا به آنجا سفر کرده‌اند و یا در این شهرک‌ها اقامت داشته‌اند.

دانش‌های انسانی انرژی^۱ و مفهوم فرهنگی نفت

با وجود تأثیر عظیم نفت بر جامعه، هم از جهت تولید و هم از جهت مصرف، به نسبت توجه اندکی از منظر فرهنگی به آن شده و نگرش اصلی به آن در قالب عنصری شیمیایی و منبعی برای درآمد دولت بوده است. رویکرد این پژوهش نسبت به نفت در مقام یک دارایی اقتصادی نیست، بلکه آن را فرآورده‌ای می‌بیند که معانی فرهنگی را خلق می‌کند و تجسم می‌بخشد. هدف آن است که نشان دهیم ادبیات داستانی مدرن در ایران چگونه از طریق مواجهه ملت با نفت دگرگون شد و در مقابل چگونه به این مواجهه در داستان مدرن ایرانی معنایی فرهنگی داده شده است. برای تحقق این هدف، پژوهش حاضر جایگاه خود را در حوزه نوپدید دانش‌های انسانی انرژی و زیرشاخه فرهنگ نفتی^۲ تعریف کرده که در آن شمار قابل توجهی پژوهش درباره نمودهای فرهنگی و هنری نفت در زمینه‌های گوناگون انجام شده‌اند. این مطالعه با بررسی داستان‌های مدرن ایرانی دو دستاورد مهم را در پی دارد. نخست آنکه با نگاه به ادبیات مدرن ایرانی از نظرگاه دانش‌های انسانی انرژی دریچه تازه‌ای در حیطه نقد ادبی ایرانی می‌گشاید. دوم آنکه نسبت و رابطه میان این پژوهش و آثاری را آشکار می‌کند که در حوزه دانش‌های انسانی انرژی و با تمرکز بر مناطق گوناگون جهان انجام گرفته است.

این دستاوردها را با بهره‌گیری از تحلیل فرهنگی بسط خواهم داد. تحلیل فرهنگی، رویکردی میان‌رشته‌ای است که میان موضوعات فرهنگی با مفاهیمی که ظرفیت شناور بودن در میان رشته‌ها را دارند، رابطه برقرار می‌کند. به گفته میکه بال در مقدمه کتاب کاربرد تحلیل فرهنگی، تحلیل فرهنگی «بر رابطه دوسویه با تاریخ تمرکز می‌کند، همانگونه که به شیوه‌ای سنتی در دانشکده‌های ما کاربرد داشته است».^۳ در ادامه توضیح می‌دهد:

تحلیل فرهنگی، بی‌آنکه بخواهد ذره‌ای نسبت به تاریخ بی‌تفاوت باشد، جلوه خاموش تاریخ را مسئله‌مند می‌کند تا به شناختی متمایز از گذشته

1. the Energy Humanities

2. petroculture

3. Mieke Bal and Bryan Gonzales, eds. *The Practice of Cultural Analysis: Exposing Interdisciplinary Interpretation* (Stanford University Press, 1999), 1.

دست یابد. این شناخت در جهت مجزا کردن یا تقدس بخشیدن به گذشته در یک «بازسازی»^۱ عینی و بی طرف نیست، همچنین تلاشی برای بیان تاریخ در مسیری تکاملی هم نیست که همچنان در وضعیت فعلی حضورش ادامه دار باشد...^۲

این بدان معناست که تحلیل فرهنگی نمی‌خواهد شکاف‌ها را در تاریخ پر کند، بلکه می‌خواهد به وسیله مطالعه گذشته به شناختی شایسته‌تر از زمان حال دست یابد. بال در ادامه می‌نویسد که «تحلیل فرهنگی در پی شناخت گذشته به عنوان بخشی از زمان حال است، چیزی که پیرامون ماست و هیچ فرهنگی نمی‌تواند بدون آن وجود داشته باشد».^۳

بررسی‌های انجام شده درباره صنعت نفت ایران تاکنون بیشتر از منظر تاریخی بوده‌اند. تاریخ‌پژوهانی نظیر تورج اتابکی، کاوه احسانی، پیمان جعفری و مارال جعفرودی به شرح تاریخ صنعت نفت پرداخته‌اند. در بررسی‌های ادبی ایرانی نیز به تحلیل‌هایی از کارگران صنعت نفت در مقام شخصیت داستانی برمی‌خوریم.^۴ اما تحلیل فرهنگی با آنچه تاکنون در قالب تاریخ‌نگاری یا تحلیل ادبی انجام شده، تفاوت دارد. با اتصال گذشته (تاریخ) به حال (فرهنگ)، تحلیل فرهنگی «بر رابطه دوسویه با تاریخ تمرکز می‌کند همانگونه که به شیوه‌ای سستی در دانشکده‌های ما کاربرد دارد یا داشته است».^۵ چنانکه بال اشاره می‌کند هدف نه «بازسازی» تازین بلکه «تلاش در جهت شناخت گذشته به عنوان بخشی از زمان حال است».^۶ به اضافه، بینش بال بر پایه فرهنگ یعنی بنیان تحلیل فرهنگی استوار است که حالت‌ها،^۷ نمایش‌ها^۸ و روایت‌ها^۹ را می‌سازد، همچنین موضوعاتی که این سه را به

1. reconstruction

2. Bal and Gonzales, eds., 1.

۳. Bal and Gonzales, eds., 1. تأکید از بال است.

۴. درباره ادبیات کارگری در ایران نگاه کنید به: فرامرز سلطانی، ادبیات کارگری ایران در قرن معاصر (نشر اکنون، ۱۳۸۷).

5. Bal and Gonzales, eds., 1.

6. Ibid.

7. gesture

8. exposure

9. narrative

کار می‌بندند و موضوعاتی که با این سه و به واسطهٔ دیگران عینیت می‌یابند؛ همهٔ اینها از جمله سرفصل‌های اصلی تحلیل فرهنگی هستند. این پژوهش با عرضهٔ تحلیلی فرهنگی از متون ادبی ایران که در آنها تجربه‌های نفتی نقشی محوری دارد و با تمرکز ویژه بر آنکه تاریخ این تجربه‌ها چگونه، چه زمانی و از طریق چه کسی بازگو می‌شود، از چهارچوب‌های موجود تحلیل فرهنگی فراتر می‌رود.

داستان‌هایی را که در این پژوهش بررسی شده‌اند در دستهٔ ژانر «پتروفیکشن» (داستان نفتی) قرار می‌دهم؛ اصطلاحی که نخستین بار آمیتاو گش در بررسی رمان عبدالرحمن منیف با نام *شهرهای نمک*^۱ به کار برد تا داستان‌هایی را نامگذاری کند که در شکل‌دهی به تجربه‌های اجتماعی، هویت‌های فرهنگی، ارزش‌ها، کردارها، ایده‌های سیاسی و کنش‌های مردمانی که در مناطق نفتخیز زندگی می‌کنند، نقشی حیاتی برای نفت قائل‌اند. ژانر داستان نفتی با وجود داستانی بودن، از رخدادها، شرایط و مکان‌های تاریخی الهام می‌گیرد و با شرح رویارویی‌های هر روزهٔ مردم با صنعت نفت و تأثیرات گستردهٔ آن، پادروایتی^۲ را در برابر روایت‌های غالب اقتصادی، فنی و نهادی از (شرکت‌های) نفت شکل می‌دهد. در نتیجه با ژانر ادبی متمایزی روبرو هستیم که رو به سوی تأملات انتقادی در باب هزینه‌های انسانی (و محیطی) صنعت جهانی نفت دارد.

پژوهش حاضر با تحلیل و بررسی مجموعهٔ منتخبی از رمان‌ها و داستان‌های کوتاه، در پی آن است که چگونه این مثنون، مواجههٔ ایرانیان با نفت را در پرتو مسائل پیچیدهٔ سنت و مدرنیته، وضعیت نیمه‌استعماری و پس‌استعماری، مرکز و حاشیه، روابط طبقاتی و جنسیتی، حسرت‌زدگی (نوستالژی) و آسیب‌روانی (تروما)، ترسیم می‌کنند. در وهلهٔ اول، این پژوهش به دنبال ردپای نفت در ادبیات مدرن ایران است، سپس در پی توضیح آنکه چگونه این ادبیات به نفت در جایگاه

۱. ژانر پتروفیکشن محدود به کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس نمی‌شود، اگرچه تولید نفت در دنیا بیشتر در این منطقه متمرکز است. اما این ژانر به نقش نفت در ادبیات سراسر جهان می‌پردازد. از جملهٔ اینها هستند:

Upton Sinclair, *Oil!* (1927); G. Backay Brown, *Greenove* (1972); Helon Habila, *Oil on Water* (2010).

در بخش «درنمایه‌های اصلی داستان نفتی در جهان» اینها را معرفی خواهم کرد.

یک ماده، منبع درآمد و مفهومی فرهنگی می‌اندیشد و سرانجام این تأملات را با زمینه‌های تاریخی‌ای پیوند می‌زند که این آثار منتخب بر بستر آنها شکل گرفته‌اند. از آنجا که شهرک‌های شرکت نفت بخشی از زمینه تاریخی داستان نفت‌محور ایرانی است، در این بررسی نگاهی دقیق به ویژگی‌های این شهرک‌ها خواهیم داشت. مکان بیشتر داستان‌های مورد بحث در مناطق مرتبط با نفت ایران است، مناطقی در جنوب غربی کشور، به‌طور مشخص شهرهای آبادان، اهواز و مسجدسلیمان. با وجود این، مکان رمان‌ها و داستان‌ها محدود به این مناطق نیست. «قضیه خر دجال» (۱۳۲۳) از صادق هدایت، سرگذشت کندوها (۱۳۳۳) از جلال آل‌احمد و اسرار گنج دره جَنی (۱۳۵۳) از ابراهیم گلستان که همگی به تأثیر درآمدهای نفتی بر کشور می‌پردازند، در مکان‌هایی نامعلوم می‌گذرند.

نفت در خوزستان، مشهور به پایتخت نفت ایران، منظر جغرافیایی و اجتماعی را به‌کلی دگرگون کرد. به دنبال این دگرگونی، شهرهایی پدیدار شدند، محله‌هایی رونق گرفتند و مردمانی از بخش‌های مختلف ایران و جهان به این منطقه مهاجرت کردند. داستان‌هایی همچون «شهر کوچک ما» (۱۳۵۰) و همسایه‌ها (۱۳۵۳) از احمد محمود که در فصل سوم بررسی می‌شوند، زیست پیچیده شهروندان محلی را در این شهرها بازنمایی می‌کنند و تصویرگر شورش مردم، به‌ویژه کارگران رده پایین علیه تشکیلات استعماری شرکت نفت و ماهیت تفکیک شده شهرهای آن هستند.

این مطالعه با نگاه به داستان‌های نفتی ایرانی به دنبال مشارکت در حوزه دانش‌های انسانی انرژی است؛ تخصصی دانشگاهی که به سرعت رو به رشد است و بر تأثیر منابع مختلف انرژی بر زندگی و فرهنگ مردم سراسر جهان تمرکز دارد. یکی از شاخه‌های اصلی این حوزه مطالعات فرهنگ نفتی^۱ است که نخستین بار در سال ۲۰۱۲ در دانشگاه آلبرتای راه‌اندازی شد. براساس تعریفی که در کتاب فرهنگ‌های نفتی: نفت، سیاست، فرهنگ و ویراسته‌شینا ویلسن، ادم کارلسن و ایمر زیمین آمده، فرهنگ نفتی «انرژی و نفت را محوری مرکزی می‌داند که بسیاری از ضروری‌ترین مسائل این زمان در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باید

حول این محور بررسی و فهم شوند.^۱ این حوزه در واقع می‌خواهد با تشریح و توصیف فرهنگ نفتی، در نهایت تصوّر جهانی بدون سوخت‌های فسیلی و فرهنگی غیرنفتی را ممکن سازد.

در کتاب فرهنگ نفت در پاسخ به این پرسش که «فرهنگ نفت چیست؟» به نقل از آلن استوئلک^۲ می‌خوانیم:

نفت از این جهت که انسان نقشی در شکل دادن به آن نداشته، طبیعی به حساب می‌آید؛ به عبارتی نتیجه فرایندهای طبیعی، یعنی تجزیه بقایای گیاهان و موجودات زنده طی میلیون‌ها سال است. اما با وجود این، تمام کاری که روی آن انجام می‌دهند - پمپ کردن، پالایش، درجه‌بندی، توزیع، استفاده در حمل و نقل، صنعت، گرمایش، تولید برق - کاملاً فرهنگی است.^۳

در مقدمه کتاب، راس برت و دنیل وُردن این بحث را مطرح می‌کنند که برای به دست دادن تحلیلی فرهنگی از نفت مهم است که آنرا «هم صنعت و هم فرهنگ، هم کسب‌وکار و هم مجموعه‌ای از فعالیت‌های زیبایی‌شناختی، هم منبعی طبیعی و هم استعاره»^۴ در نظر بگیریم. آنها تأکید دارند که دانش‌های انسانی باید با نفت همچون «ماده‌ای فرهنگی» برخورد کند و آنرا «چنانکه در زیست اقتصادی و سیاسی وجود دارد، به نیرویی در تجربه روزمره و زیبایی‌شناسی» تبدیل کند.^۵ به بیانی دیگر، نفت ماده‌ای است که جهان مدرن بدون آن قابل تصوّر نیست، و مطالعات نفت فرهنگ مدرن خاصی را توصیف و تحلیل می‌کند که از این ماده و آنچه پیرامون آن بوده، برآمده است. در کتاب نفت زنده استفانی لِمَنَجر به جنبه‌های گسترده‌تری از فرهنگ نفت اشاره می‌کند که از آن جمله است «رسانه نفت و چیزهایی که از نفت ساخته شده‌اند و میانجی رابطه ما انسان‌ها با یکدیگر، با دیگر

1. Sheena Wilson, Adam Carlson, and Imre Szeman, eds., *Petrocultures: Oil, Politics, Culture* (McGill-Queen's University Press, 2017), 4.

2. Allen Stoelk

3. Ross Barrett and Daniel Worden, eds., *Oil Culture* (University of Minnesota Press, 2014), xii.

4. Barrett and Worden, eds., xxi.

5. Ibid., xx.

موجودات زنده و با چیزهای مادی هستند.^۱ او به فرهنگ نفت در بستر خاص ایالات متحده می‌پردازد و مهم‌ترین نقدی که دارد محوری بودن نفت در زندگی مدرن در آمریکای شمالی است، زندگی مدرنی که «بر پایه نظام انرژی ارزانی شکل گرفته که وجودش وابسته به نفت است».^۲ با وجود آنکه اصطلاح «فرهنگ نفت»^۳ را استونلک و لمناجر هر دو به منظور مشخص کردن جنبه فرهنگی نفت به کار گرفته‌اند، در این پژوهش بیشتر از اصطلاح «فرهنگ نفتی» استفاده خواهم کرد، اصطلاحی که رواج بیشتری در دانش‌های انسانی انرژی دارد. در بخش بعد، به نقش ادبیات در ارتباط با نفت یا همان «داستان نفتی» خواهم پرداخت که هم بخش پراهمیتی برای فرهنگ نفتی است و هم ظرفیت نقد آن را در خود دارد.

درونمایه‌های اصلی داستان نفتی در جهان

آمیتاو گش در مقاله «داستان نفتی: رمان و مواجهه با نفت» می‌گوید که «اگر بخواهیم معادلی برای تجارت ادویه در قرن بیستم در نظر بگیریم، می‌توان از صنعت نفت نام برد».^۴ برای او پرسش برانگیز است که چرا نفت، در مقایسه با تجارت ادویه، ادبیات چندانی به بار نیاورد، با وجود آنکه تنها یک دهه پس از کشف مسیر دریایی به هند، شاعر پرتغالی، لوئیش دو کاموش، شعر *لوسیادز*^۵ را نوشت،

اما در پی مواجهه با نفت به‌ندرت اثری درخور توجه تولید شده است. برای نمونه، در زبان انگلیسی تنها مقداری ادبیات سفرنامه‌ای با کیفیتی کمابیش نازل و انبوهی کار دانشگاهی مصرفی داریم که از نظر کیفیت یا قدرت فکری با سفرنامه‌ها و روایت‌هایی که توسط کسانی نظیر شاعر پرتغالی قرن شانزدهم تولید شده‌اند، فرسنگ‌ها فاصله دارند.^۶

1. Stephanie LeMenager, *Living Oil: Petroleum Culture in the American Century* (Oxford University Press, 2014), 6.

2. LeMenager, 67.

۳. ستونلک از oil culture و لمناجر از petroleum culture استفاده کرده‌اند.

4. Amitav Ghosh, "Petrofiction: The Oil Encounter and the Novel," in *Incendiary Circumstances: A Chronicle of the Turmoil of Our Times* (Houghton Mifflin Harcourt, 2007), 138.

5. Luis de Camoes, *The Lusiads* (1572)

6. Ghosh, 138.

گش برای توضیح این تفاوت به تقابل فخر و مباهات قدرت‌های استعماری به تجارت ادویه و افتخار آمیخته به حرمت قدرت‌های استعماری نسبت به نفت اشاره می‌کند، هم توسط آمریکایی‌ها که کاشفان اصلی آن بودند و هم توسط مردمان غیرغربی مکان‌هایی که محل کشف اینها بودند:

در رویارویی با نفت برای بازیگران اصلی (در واقع از یک سو آمریکایی‌ها و از سوی دیگر مردمان شبه‌جزیره عربستان و خلیج فارس) تاریخ نفت در حد موضوعی ناگفتنی و هرزه‌نگارانه مایه شرمساری است. شاید این تنها مسئله فرهنگی باشد که هر دو طرف بر سر آن توافقی کامل دارند.^۱

این عقیده گش که آمریکایی‌ها، مردمان خلیج فارس و حتی بنگالی‌ها، سفرنامه‌نویسان متبحری که در میدان‌های نفتی خلیج فارس مشغول به کار بودند، تا سال ۱۹۹۲ در باب مواجهه با نفت دست به قلم نشدند، شمار قابل توجهی از آثاری را که در واقع به این موضوع پرداخته‌اند، نادیده می‌گیرد. گذشته از آثاری که در این میان چه بسا هرگز منتشر نشده باشند، یا آثاری که در گوشه‌ای از کتابخانه‌ها فراموش شده یا از منظرهای دیگری بررسی شده باشند، در واقع بسیاری از این آثار به شکلی وسیع خوانده شده و مورد بررسی قرار گرفته است. همانطور که پیترو هیچکاک در مقاله «نفت در تخیل آمریکایی» در سال ۲۰۱۰، در پاسخ گش، توضیح می‌دهد، نفت در تخیل آمریکایی و ادبیات آمریکایی هرگز غایب نبوده است.^۲ به‌عنوان یک نمونه او به رمان نفت/ از آپتن سینکلر^۳ اشاره می‌کند که موضوعش مواجهه با نفت در میدان‌های نفتی کالیفرنیا جنوبی در سال‌های آغازین قرن بیستم است.

1. Amitav Ghosh, *Incendiary Circumstances: A Chronicle of the Turmoil of Our Times* (Houghton Mifflin Harcourt, 2007), 138.

گش می‌گوید که آمریکایی‌ها از نفت «بوی نامطبوع و گریزناپذیری استشمام می‌کنند که حکایت از دردمر و گرفتاری بیرون از مرزها، وابستگی نگران‌کننده به خارج، بی‌ثباتی در اقتصاد، و اقدامات خطرآفرین و پرخرج نظامی دارد.» (۱۳۹).

2. Peter Hitchcock, "Oil in an American Imaginary," *New Formations* 69 (2010): 81-97, <https://doi.org/10.3898/NEWF.69.04.2010>.

3. Upton Sinclair

با وجود اغراق گش دربارهٔ کمیابی ادبیات نفتی، نوشتهٔ او موجب شد علاقه‌مندی به این ادبیات در میان منتقدان ادبی در سطح جهان شدت بگیرد و اصطلاح «تجربه‌های نفتی»^۱ رواج پیدا کند. گش، که بر رمان شهرهای نمک تمرکز دارد، تجربه‌های نفتی را به گونه‌ای تعریف می‌کند که «از یک سو آمریکا و آمریکایی‌ها و از سوی دیگر مردمان شبه جزیره عربستان و خلیج فارس» را شامل می‌شود و این را نادیده می‌گیرد که استعمارگری نفت در خاور میانه با بریتانیا آغاز شد، بعد هلندی‌ها و بعدتر آمریکایی‌ها وارد میدان شدند. گریم مک‌دانلد در مقاله «دگرگونی هیولایی: داستان نفتی و ادبیات جهانی» در این باره که ادبیات برآمده از این تقابل و رویارویی، که با عنوان داستان نفتی (پتروفیکشن) شناخته شده، چه ویژگی‌هایی دارد، می‌نویسد:

رمان‌هایی که به تقابل نفتی می‌پردازند به‌طور معمول به کشف و استخراج اولیه توجه می‌کنند، ولی در برخی موارد موضوعاتی مانند پالایش، ذخیره‌سازی، حمل و گردش نفت و فرآورده‌های نفتی و همچنین نظام‌های فرآوری که همراه، درون و پیرامون فضای این منبع جدید رشد می‌کنند نیز مجالی برای بروز می‌یابند.^۲

به بیانی دیگر، موضوع این ادبیات فضای سیاسی و فرهنگی شکل گرفته پیرامون تولید، فروش و مصرف نفت است. این واقعیت که داستان نفتی، ژانرها و فرم‌های ادبی گوناگونی را در برمی‌گیرد، از داستان واقع‌گرا و علمی‌تخیلی و تجربه‌گرا تا رمان‌های مصور، آن‌را قادر می‌سازد که با شیوه‌های متنوعی به مواجهه با نفت بپردازد.

در میان نخستین داستان‌های نفتی که از نگاه گش پنهان مانده، به نمونه‌هایی از آثار ایرانی برمی‌خوریم که موضوع بررسی من در این پژوهش خواهد بود. با توجه به فقدان ترجمه‌های انگلیسی تا حدودی بدیهی است که گش نسبت به این آثار بی‌خبر بوده باشد. امید است که این بررسی، در کنار ترجمهٔ دو اثر مهم ایرانی در

1. oil encounter

2. Graeme Macdonald, "Oil and World Literature," *American Book Review* 33, no. 3 (2012): 293, <https://doi.org/10.1353/abr.2012.0079>.

زمینه داستان‌های نفتی، همسایه‌ها از احمد محمود (ترجمه نسترن خرد در سال ۲۰۱۳) و چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم نوشته زویا پیرزاد (ترجمه فرانکلین لویز^۱ در سال ۲۰۱۲)، توجه پژوهشگران و منتقدان بیشتری را به اینگونه داستان‌های ایرانی و بازنمایی پیچیده آنها از نقش تعیین کننده صنعت نفت در شکل دادن به ایران مدرن جلب کند.

در ادامه این بخش چهار درونمایه اصلی داستان‌های نفتی - استعمار نفتی، مدرنیته نفتی، نیروی کار و محیط - را شناسایی و از اهمیت هر یک از این درونمایه‌ها برای آثار انتخابی در این پژوهش صحبت خواهم کرد.

۱. استعمار نفتی^۲

گش عنصر اصلی طرح را در روایت تجربه‌های نفتی، برخورد ساکنان محلی با استخراج گران خارجی نفت می‌داند. در نظر او رمان شهرهای نمک عبدالرحمن مثنیف نمونه شاخص این مواجهه و درگیری است. داستان با سه آمریکایی در شهر وادی‌العیون آغاز می‌شود که در جستجوی آب هستند. متعب الهمدال، شخصیت اصلی، نسبت به حضور این سه مشکوک می‌شود. دیری نمی‌گذرد که خارجی‌ها با یک «ماشین غول‌آسای آهنی»^۳ و تجهیزاتی دیگر وارد وادی‌العیون می‌شوند تا یکی از نخستین پایگاه‌های نفتی عربستان سعودی را بنا کنند. یکی دیگر از نمونه‌های این مواجهه در نخستین رمان خود گش، دایره خرد، رخ می‌دهد. داستان رمان ماجرای پسری است به نام آلو، واژه هندی به معنای سیب‌زمینی، که به تروریست بودن او مظنون می‌شوند. او برای فرار از دست پلیس روستایش نزدیک کلکته را رها می‌کند و به شهری در خلیج فارس به اسم الغزیره می‌رود، مکانی خیالی که شباهت بسیاری به شهرهای جنوبی خلیج فارس همچون ابوظبی و دبی دارد. آلو در آنجا شاهد تنش فزاینده‌ای است که یک سوی آن شرکت نفت و شهرکی که در کنار آن ساخته شده قرار دارد و در سوی دیگر مابقی شهری که رفته‌رفته تصاحب می‌شود: برای چندین سال شرایط ادامه داشت، با نگرانی اما بدون درگیری:

1. Franklin Lewis

2. Petroleum Colonialism

3. 'Abd al-Rahman Munif, *Cities of Salt* (Vintage Books, 1989), 98.

نفت کاران^۱ همراه با مزدبگیران خود درون شهرک نفت می ماندند؛ مالک^۲ کم و بیش زندانی آوردگاه نفت بود و تنها در مناسبت های رسمی اجازه خروج داشت ... شهرک نفت رونق می گرفت و رشد پیدا می کرد و بالاخره زمانی رسید که به دنبال فضای بیشتری بودند. اجازه اش صادر شد و در پی آن، زمین های بیشتر و بیشتری در اطراف الغزیره به تصرف آنان درآمد ...^۳

گش در این داستان به روابط ناآرام میان زندگی محلی ها و زندگی خارجی ها در شهرک های تفکیک شده نفت می پردازد. رمان تأثیرگذار دیگری که بر تقابل نفت کاران محلی و خارجی متمرکز است، تکزاکو نوشته پاتریک شاموزو^۴ است. ماجرای رمان در جزیره مارتینیک در شرق دریای کارائیب می گذرد. عنوان رمان برگرفته از شرکت نفت تکزاکو است و در رمان نیز روابط نواستعماری این شرکت با مردمان مارتینیک توصیف شده است. همچون بسیاری از داستان های نفتی، در اینجا هم رمان، محلی ها را به گونه ای تصویر کرده که با فشار این شرکت غربی به حاشیه رانده شده اند. تکزاکو جوایز بسیاری برد و در سال ۱۹۹۷ در فهرست کتاب های مهم نیویورک تایمز قرار گرفت. از مشهورترین متون غیرداستانی با محوریت مواجهه محلی ها با یک شرکت نفت تصاحب گر، کتاب یک ماه و یک روز: روزنوشت های حبس^۵ (۱۹۹۵) خاطرات دوران زندان کین سارو ویوا نویسنده و کنشگر ضد نفت است که به زمین های نفتخیز نیجریه می پردازد. کتاب در انتشارات پنگوئن یک ماه پس از اعدام سارو ویوا منتشر شد؛ او روز ۱۰ نوامبر ۱۹۹۶ به دلیل مشارکت فعال در جنبش نجات مردم اوگونی (موسوپ)^۶ به دست مقامات نیجریه ای به دار آویخته شد. سارو ویوا در شرح حال خود به تفصیل از شورش جنبش نجات در برابر شرکت

1. oilmen

۲. مالک، یکی از کارگران شرکت نفت است.

3. Amitav Ghosh, *The Circle of Reason* (Houghton Mifflin Harcourt; 2005), 252.

4. Patrick Chamoiseau, *Texaco*, (1992).

5. Ken Saro-Wiwa, *A Month and a Day: A Detention Diary* (1995).

6. the Movement for the Survival of the Ogoni People (MOSOP)

رویال داچ شل^۱ و مقامات نظامی نیجریه می‌نویسد و توجهش بر ماهیت نیمه‌استعماری این شرکت و نحوه تصاحب و تخریب زمین‌های بومی به دست آنان است. راب نیکسون در کتاب خود به اسم خشونت نرم و محیط‌گرایی فقرا در فصلی با عنوان «امید واهی: سارو ویوا، عدالت محیطی و حقوق اقلیت کم‌شمار» درباره سارو ویوا می‌نویسد:

سارو ویوا خود را بخشی از سنتی قابل افتخار می‌دانست، شاهدهی بر آنچه خود «استعمارگری مجدد» سرزمین اوگونی می‌خواند؛ کناری که با همدستی نیروی شرکت‌های نفتی و رژیم آباچا^۲ انجام می‌شد و همین‌ها به یاری یکدیگر دلتای نیجر را به مثلث برمودایی برای حقوق انسان‌ها بدل کردند.^۳

در بخشی از شعر بلند سارو ویوا درباره تخریب سرزمین همشهریانش به گفته‌ای قاطع برمی‌خوریم که مشهورترین تعبیر اوست، «شعله‌های شیل شراره‌های دوزخ هستند». سارو ویوا در این شعر به شعله‌های گازی اشاره می‌کند که بر فراز چاه‌های نفت می‌سوزند و معتقد است وجود این شرکت تأثیری مستقیم و مخرب بر زندگی محلی‌ها دارد.^۴

همانگونه که در این پژوهش نشان خواهم داد، جنبش‌های بیگانه‌ستیز و درگیری با ماهیت استعماری شرکت‌های خارجی نفت در داستان‌های نفتی ایرانی نیز وجود دارند. اگرچه ایران هیچگاه مستعمره نشد، اما از اوایل قرن نوزدهم، به تعبیر حمید دباشی از «نیمه‌استعمارگری»^۵ رنج می‌برد و بریتانیا و روسیه منافع سیاسی و اقتصادی خود را بر کشور تحمیل می‌کردند.^۶ نیمه‌استعمارگری به این

1. Royal Dutch Shell

۲. سانی آباچا (۱۹۴۳-۱۹۹۸) رئیس‌جمهور دیکتاتورمآب نیجریه که سال ۱۹۹۳ کودتا کرد و تا ۱۹۹۸ حکمرانی‌اش ادامه داشت.

3. Rob Nixon, "Pipedreams: Ken Saro-Wiwa, Environmental Justice, and Micro-Minority Rights," in *Slow Violence and the Environmentalism of the Poor* (Harvard University Press, 2011), 105.

4. Ken Saro-Wiwa, *A Month and A Day & Letters*, 1st Edition (Ayeibia Clarke Publishing, 2005), 54.

5. semi-colonization

6. Hamid Dabashi, *Islamic Liberation Theology: Resisting the Empire* (Routledge, 2008), 110.

معناست که تمامیت کشور تحت کنترل حکومتی خارجی نیست، آنگونه که برای نمونه در هند و مالزی شاهد بودیم. اما با همه اینها، سرتاسر ایران تحت تأثیر دخالت‌های محلی بریتانیا و روسیه قرار داشت. کشف نفت این شرایط نیمه‌استعماری را نیرو بخشید، به گونه‌ای که نفت ایران در اختیار شرکت نفت انگلیس و ایران^۱ قرار گرفت که در سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳) به شرکت نفت بریتانیا (بریتیش پترولیوم یا BP)^۲ تغییر نام داد. جابجایی و آوارگی، بحران‌های هویتی، جدا سازی، دورگه‌ای شدن و به‌حاشیه‌راندن از جمله پیامدهای شرایط نیمه‌استعماری است که در داستان‌های نفتی ایرانی برجسته شده‌اند. تمام این داستان‌ها حکایت از قدرت چشمگیری دارند که شرکت نفت انگلیس و ایران/بی‌پی بر دولت ایران، کارگران نفت و محیط و اجتماع آنان اعمال می‌کرد. در نیمه نخست قرن بیستم این شرکت نفت در جنوب ایران نقشی مشابه یک دولت را درون دولتی دیگر داشت با نیروی پلیسی ویژه خود. بنابراین، رابطه میان شرکت نفت از یک‌سو و کارگران و اجتماع آنان از سوی دیگر به سادگی رابطه کارفرما و کارگر نبود بلکه از جنس رابطه قدرت نیمه‌استعمارگر و مستعمره بود. همین وضعیت سرانجام به جنبشی ملی در میان ایرانیان دامن زد که به ملی کردن صنعت نفت ایران در سال ۱۳۲۹ انجامید. کودتای سال ۱۳۳۲ علیه معمار ملی سازی نفت ایران، محمد مصدق، تا حدودی قدرت انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها را بازگرداند و شرکت‌های نفت بین‌المللی بیشتری را وارد ایران کرد. بازتاب شرایط نیمه‌استعماری را که پس از اسفند ۱۳۲۹ سستی گرفته بود، می‌شد در موقعیت ممتاز مدیران خارجی و نقش اثرگذاری که انگلیس و آمریکا، به ترتیب پیش از جنگ جهانی دوم و پس از آن در امور سیاسی ایران داشتند، دید.

از آنجا که شرایط نیمه‌استعماری و پسااستعماری ایران نسبتی نزدیک با نفت دارد، در این پژوهش به جست‌وجوی شیوه‌های بازنمایی این شرایط در داستان نفتی ایرانی خواهیم رفت. اینکه چگونه می‌توان بازتاب این داستان‌ها را در ظهور هویتی ملی دید؛ همچنین در بحرانی شدن آن در حوالی کودتای ۱۳۳۲ و انقلاب

1. Anglo-Persian Oil Company (APOC)

2. British Petroleum (BP)

اسلامی ایران در اواخر دهه پنجاه، افزون بر اینها، به تحلیل این موضوع می‌پردازیم که این داستان‌ها چگونه با تأثیرات فرهنگی نیمه‌استعمارگری دزگیر شدند و در شکل‌گیری جنبش‌های ضد‌استعماری و بیگانه‌ستیز مشارکت کردند.

۲. مدرنیته نفتی

گریم مک‌دانلد، پژوهشگر برجسته فرهنگ نفت، بر این باور است که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تجربه‌های نفتی، قدرت تحول‌آفرین آن است. او توضیح می‌دهد که تجربه نفتی نمی‌تواند به سطح تقابل‌های فردی مشخص بین آمریکایی‌ها و محلی‌های عرب و ایرانی در سواحل خلیج فارس فروکاسته شود، بلکه باید آن‌را تقابلی گسترده‌تر و ایدئولوژیک میان امر جدید و قدیم، و میان امر مدرن و سنتی دانست. از این جهت، مواجهه نفتی نشان می‌دهد که چگونه سرمایه‌داری نفت‌پایه^۱ به هرجایی که قدم گذاشت مکان، زمان و فرهنگ را دگرگون کرد، نه فقط با شکل ظاهری نفت و زیرساخت‌های این صنعت، بلکه از طریق ارزش‌هایی که به گونه‌ای استعاری یا نمادین با نفت مرتبط بودند.

در میان داستان‌های نفتی، شناخته‌شده‌ترین نمونه‌ای که ظرفیت تحول‌آفرین تقابل نفتی را آشکار می‌کند، رمان نفت! اثر آیتون سینکлер است. در نفت! شاهد آن هستیم که چگونه یک حفار طلا و نقره در نهایت به سرمایه‌دار نفت بدل می‌شود؛ همچنین رمان بر تأثیر مستقیم صنعت نفت بر کالیفرنای جنوبی و رشد فرهنگ کالیفرنایی و هالیوود تأکید می‌کند. رمان دیگری با همین درونمایه‌گرین‌وو اثر جورج مک‌ای براون^۲ نویسنده اسکاتلندی است. به گفته مک‌دانلد رمان درباره «تغییر شکل پر شتاب منظره و جامعه هلیا است، جزیره‌ای کوچک و اسکاتلندی اما خیالی در مجموعه جزایر اورکنی در دریای شمال» که معادل واقعی آن شهر نفتی آبردین^۳ است. رمان ماجرای ورود صنعت نفت و به دنبال آن نابودی زندگی یک ماهیگیر

1. petro-capitalism

2. George Mackay Brown, *Greenoe* (1972).

۳. شهر Aberdeen سومین شهر بزرگ اسکاتلند و پایتخت نفتی اروپا.

4. Graeme Macdonald, "Monstrous Transformer": Petrofiction and World Literature," *Journal of Postcolonial Writing* 53, no. 3 (2017): 294, <https://doi.org/10.1080/17449855.2017.1337680>.

است. همچون دیگر داستان‌های نفتی در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی در اینجا نیز رمان به توصیف پیدایش جوامع محلی در عصر شکوفایی اقتصادی نفت می‌پردازد. مک‌دانلد به این نکته اشاره می‌کند که رمان «سه سال پس از کشف نفت در سال ۱۹۶۹ در فلات قاره دریای شمال و دو سال پیش از رسیدن به نخستین بهره‌برداری متشتر می‌شود»^۱ «گرین‌وو، مشابه داستان‌هایی که به مواجهه نفتی در خلیج فارس می‌پردازند و در ادامه این پژوهش بررسی خواهند شد، بر بیگانه‌شدگی^۲ صنعت از جامعه محلی تأکید دارد. مک‌دانلد در پژوهش خود ضمن مقایسه‌ای که میان گرین‌وو و شهرهای نمک دارد، می‌نویسد:

هر دو [رمان] صحنه‌های «شوک نفتی»^۳ روشن‌گر و بسیار مقایسه‌پذیری را تصویر می‌کنند که نمونه‌ای از تخریب و تغییر خشونت‌آمیزی‌اند که معمولاً با هدف جستجوی نفت در اطراف مناطق نفتخیز نظام جهانی جریان دارد.^۴

بررسی تطبیقی مک‌دانلد اهمیت بسیاری دارد زیرا تأییدی است بر این موضوع که جابه‌جایی و آوارگی محلی‌ها به واسطه صنعت نفت به کشورهای غیرغربی محدود نمی‌شود.

عبدالرحمن مؤنث شهرهای نمک را ده سال پس از انتشار گرین‌وو در ۱۹۸۲ منتشر کرد. شهرهای نمک درباره مدرن‌سازی دستوری وادی‌العیون است، محیطی کوچک و سرسبز در میانه صحرا در عربستان سعودی. مک‌دانلد درباره انتقال ماشین‌های استخراج نفت به این منطقه از تعبیر «فناوری‌های هیولایی» استفاده می‌کند و آلن مک‌لارنی نیز مواجهه نفتی را سرآغاز «سلطه ماشین» می‌داند.^۵ منیرو روانی‌پور تحوّل مشابهی را در رمان *اهل غرق* (۱۳۶۸) توصیف می‌کند، تحوّل که به ورود کاشفان انگلیسی نفت در سواحل شمالی خلیج فارس در استان بوشهر ایران مربوط می‌شود و در فصل پنجم آن‌را بررسی خواهیم کرد.

1. Macdonald, 294.

2. alienation

3. oil shock

4. Macdonald, 293.

5. Ibid., 299; Ellen McLarney, "'Empire of the Machine': Oil in the Arabic Novel," *Boundary 2* 36, no. 2 (May 1, 2009): 177–98, <https://doi.org/10.1215/01903659-2009-010>.

رمان *مردانی زیر آفتاب* (۱۹۶۲) نوشته غسان کنفانی، نویسنده فلسطینی که در تبعید در بیروت زندگی می‌کرد، آشکارا نشان می‌دهد که دگرگون ساختن فرهنگ محلی به وسیله تقابل نفتی ناشی از نیاز به کارگران است و در قالب فرایند مدرن‌سازی دستوری خود را نشان می‌دهد. مک‌لارنی در مقاله «سلطه ماشین: نفت در رمان‌های عربی» توضیح می‌دهد که چگونه شهرهای نمک و *مردانی زیر آفتاب* به این فرایند واکنش نشان می‌دهند. به عقیده او هر دو رمان را می‌توان نوعی «سوگواری بر راندگی از بهشت» دانست:

کنفانی و مئیف هر دو در ویرانه‌ها سکونت دارند و در عین حال که تصویرگر زاده شدن دردناک عصر ماشینی هستند، در غم از دست دادن سرزمین مادری خود مویه می‌کنند. زاده شدن از رحم فولادی بارکش‌ها و ستون‌های آهنی پمپ‌های نفت، پیشامدی که طبیعی نیست، حضور بیگانه‌ای است در سرزمین، گیاهی غیارگانیک است در خاک بومی.^۱

به همین شکل مک‌دائلد نشان می‌دهد که جابه‌جایی مردمان عرب با بیگانگان، یا به عبارتی ویژگی ویرانشهری^۲ صنعت نفت در خلیج فارس، موضوع مشترک رمان‌هایی است که به تلاش‌های این صنعت در راستای مدرن‌سازی دستوری می‌پردازند. این درونمایه‌ها در داستان‌های ایرانی مورد بررسی نیز قابل مشاهده‌اند. همگی به دگرگونی‌های پرشتاب مادی و فرهنگی در منطقه می‌پردازند که پیامد مواجهه نفتی است، به‌ویژه در دوران نقطه اوج نفت^۳ (خیزش اقتصادی نفت) در فاصله دهه‌های چهل تا شصت خورشیدی. این دوره‌ای است که بیشترین داستان‌های نفتی در ایران نوشته می‌شود و در اینباره در فصل نخست، تاریخ ادبیات مدرن فارسی و مواجهه نفتی، توضیح خواهم داد.

آشکارا می‌توان دید که داستان نفتی در ادبیات فارسی از نتایج مدرنیته نفتی است. این گونه خاص از مدرنیته به‌طور مستقیم برآمده از تأثیر نفت است که باعث تحولاتی شد از جمله: تغییر زیرساخت‌های حمل و نقل، افزایش پویایی و تحرک،

1. McLarney, 180.

2. dystopian

3. peak oil

تغییر زمین‌های کشاورزی به محیط‌های صنعتی، تبدیل روستاها و شهرهای کوچک به مراکز شهری، تحوّل در شیوه‌های قدیمی کار و زندگی از طریق ایجاد اخلاقیات و انضباط کارگری، همچنین آگاهی متفاوتی نسبت به زمان و پیشرفت، تغییر در هویت‌های گذشته که پیرامون قومیت، قبیله و خویشاوندی شکل گرفته بودند و ساخت هویت‌هایی جدید پیرامون خانواده، شهروندی و طبقه، و در نهایت آنچه به مشارکت سیاسی توده‌ها انجامید. تمام این تحولات را که به تقابل سنت و مدرنیته مربوط است، می‌توان در داستان نفتی ایرانی دید، چه این تقابل را دوگانه مطلق‌ی بدانیم که سوژه‌های سنتی یا سوژه‌های مدرن تولید می‌کند، یا بیشتر آن‌را پیوستاری ببینیم که به شکل‌گیری هویت‌های متغیّر و ترکیبی منجر می‌شود. محلّ توجه در داستان نفتی ایرانی رخدادها و مکان‌هایی است که حرکت از سنت به مدرنیته، یا تناقض‌های درونی این مفاهیم، را نمایند می‌کنند و همین‌طور شیوه‌هایی که شخصیت‌های اصلی این رمان‌ها می‌کوشند جایگاه خود را در نسبت با سنت و مدرنیته تعریف کنند.

شایسته توجه است که مسئله مدرنیته و مدرن‌سازی در هیچ‌کجا، از جمله ایران، مسئله ساده‌ای نیست. همان‌طور که نویسندگان کتاب *ایران: در میان سنت و مدرنیته* در مقدمه می‌نویسند، آنچه طی ۱۵۰ سال گذشته در ایران رخ داده خود را در قالب تنش میان سنت و مدرنیته نشان داده است؛ آنان اضافه می‌کنند که رویارویی این دو «پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن‌را به سادگی تقابلی یکدست میان ارزش‌های آزادی‌طلبانه و روشنگرانه «مدرنیته» با نیروهای تاریک و عقب‌مانده «سنت» قلمداد کرد».^۱ مدرنیته در ایران پیش از هرچیز با ظهور گرایش تازه به فردیت (سوژه) تعریف شده است که فرد در آن، نقش اصلی را بازی می‌کند، همچنین این اندیشه را پدیدآورده که فرد تحت اختیار قوانین همیشگی نیست، بلکه می‌تواند در تغییر شرایط خود اثرگذار باشد. این موضوع فراتر از برابر دانستن سنت با اسلام و خلیج فارس، و مدرنیته با غرب است. همان‌گونه که بررسی‌های من نشان خواهند داد، داستان نفتی ایرانی بر این امر تأکید دارد که در جوامع رو به مدرن شدن،

هویت‌هایی ترکیبی شکل می‌گیرند که در آمیخته با مؤلفه‌های سنتی هستند. با وجود آنکه جریان نفت سیاست‌ها، ارزش‌ها و فناوری‌های خود را از غرب به همراه آورد، اینگونه نبود که کاملاً غرب را در جغرافیایی جدید بازتولید کند، زیرا ایرانی‌ها به استفاده از منابع فرهنگی خود ادامه دادند در همان حال که به پیامدهای اجتماعی-سیاسی نفت، به ویژه تحمیل مدرنیته غربی و اکشن نشان می‌دادند و گاهی در برابر آن ایستادگی می‌کردند و در فرایندی آنها را تغییر می‌دادند و واقعیت‌های تازه‌ای می‌ساختند. در پژوهش پیش رو مفاهیم سنت و مدرنیته بیشتر در سایه ویژگی‌های نیمه‌استعماری صنعت نفت در جنوب ایران بررسی شده‌اند.

۳. نیروی کار

داستان نفتی به انبوه بی‌شمار نیروی کار در استخراج نفت توجه ویژه‌ای دارد، موضوعی که برای نمونه می‌توان در اثر سینکлер، نفت؛ و شهرهای نمک اثر مئیف دید. از آنجا که عصر نفت را به نام عصر ظهور ماشین نیز می‌شناسند، این عنوان نشانگر آغاز مجموعه‌ای از تحولات در فعالیت‌های کارگران است، از جمله شکل‌گیری سندیکاها و اتحادیه‌ها، و البته بازنمایی اینها در ادبیات. با نگاه به داستان‌های نفت‌محوری که در پایگاه‌های گوناگون استخراج نفت می‌گذرند، به روشنی می‌توان دید که شیوه نمایش نیروی کار به شیوه بازنمایی شرکت و کشور مربوط می‌شود، و همینطور به رابطه میان شرکت و دولت. برای نمونه، نیروی کار در نفت، رمانی که در کالیفرنیا جنوبی می‌گذرد، و نیروی کار در گرین‌وو که در اسکاتلند شمالی می‌گذرد، تفاوت آشکاری دارد با نیروی کار در مجموعه داستان سیاست و داستان‌ها دیگر (۱۳۵۸) اثر محمدرضا صفدری که به کارگران رده‌پایین در آبادان می‌پردازد. افزون بر این، ایستادگی در برابر شرکت‌ها در کشورهایی که شرکت نفت خودشان را دارند، مثل آمریکا و بریتانیا، نمود متفاوتی دارد با کشورهایی که مثل ایران، عربستان سعودی و نیجریه، میزبان شرکت‌های خارجی نفت هستند. از نخستین نمونه‌ها که به خوبی این موقعیت دوم را بازتاب می‌دهند رز سفید اثر نویسنده آلمانی بی. تراون^۱ است؛ داستانی که به تأثیرات شرکت نفت

کاندور بر وایت رز هاسیندا^۱ در منطقه وراکروز در مکزیک می‌پردازد. رمان موضعی به شدت انتقادی درباره حضور مالکان آمریکایی شرکت نفت و بهره‌کشی آنها از کارگران محلی دارد. ماجرا بر رابطه پرتنش میان ساکنان هاسیندا و مالکان شرکت نفت متمرکز است، در عین حال به جهت سیاست‌های ناکارآمدی که دولت مرکزی مکزیک در قبال وضعیت کارگران دارد، شاهد حمله به آن نیز هستیم، و همچنین اشاره به تخریب‌های محیطی که استخراج نفت به دنبال داشته است.

در رمان *مردانی زیر آفتاب* از غسان کفانی که پیش‌تر از آن صحبت شد، بهره‌کشی از کارگران نفت درونمایه‌ای مهم است؛ به نحوی که شاهد جان دادن سه فلسطینی در مسیر رسیدن به پایگاه نفتی در کویت هستیم. آنان که در رویای زندگی راحت و شیرینی به سر می‌برند با مردی روبرو می‌شوند که کارگران را درون کامیون نفتکش، قاچاقی به کویت می‌برد. نقطه اوج داستان مرگ این سه نفر، پس از گذشت چند روز از سفر، داخل نفتکش است. رمان کویت را «مدینه فاضله» معرفی می‌کند، «سرزمین آرمانشهری این پناهجویان». این سه نفر زندگی‌شان را به خطر می‌اندازند تا به آرمانشهر خیالی خود برسند، اما پیش از آنکه چشم‌شان، حتی از دور، به آن بیفتد جان می‌دهند. مک‌لارنی درباره دیدگاه کفانی نسبت به صنعت نفت می‌گوید که او «درآمدهای نفتی را برای نجات فلسطینی‌ها ضروری می‌بیند، راه نجاتی که به رفع تصرف بینجامد»^۲ با همه اینها، رمان در نهایت نگرشی انتقادی به صنعت نفت در کویت دارد و همچنین تأکیدی است بر نقش گمراه‌کننده آن در تصور فلسطینی‌ها به عنوان آرمانشهر.

چنانکه خواهید دید، نیروی کار در داستان‌های نفتی ایرانی نیز درونمایه‌ای برجسته است. در واقع پیش از آنکه مفهوم داستان نفتی رواج پیدا کند، پژوهشگران ادبیات مدرن فارسی متونی را که در اینجا تحت این عنوان بررسی شده‌اند، ذیل عناوین «ادبیات کارگری» یا «ادبیات محلی» قرار می‌دادند و آنها را پشتیبان شورش‌های کارگری چپ‌گرا می‌دانستند. در آثاری که بررسی خواهیم کرد، مواجهه نفتی ایرانی‌ها به دفعات حول محور واکنش کارگران محلی به شرایط نامطلوب کار

1. White Rose Hacienda

2. McLarney, "Empire of the Machine," 185.

در پایگاه‌های نفتی آبادان و اهواز بازنمایی می‌شود. نحوه جذب شدن در سطوح کارگران تازه‌کار و رده‌پایین و به‌طور کلی شرایط زندگی کارگران محلی تفاوت‌ها بسیاری با کارمندان خارجی داشت که در منطقه‌های تفکیک شده شرکت زندگی می‌کردند.

۴. محیط

نخستین داستان نفتی که به تأثیر محیطی استخراج نفت می‌پردازد رمان نفت، اثر نویسنده اطریشی گوستاو می‌رینک^۱ است. این رمان که در سال ۱۹۰۳ نوشته شده و از جمله آثار برجسته ادبیات آلمانی است، نشت نفت در خلیج مکزیک پیشینی می‌کند و با رویداد مشهور به نشت نفت دیپ‌واتر هورایزن^۲ در سال ۲۰۱۰ پیش‌بینی او رنگ حقیقت به خود می‌گیرد. رمان، روایتگر فردی صاحب قدرت نفوذ است که نفت را در خلیج مکزیک تخلیه می‌کند در حالی که محلی‌ها قادر به ردیابی محل نشت نیستند و بنابراین نمی‌توانند جلوی آن را بگیرند. این رمان در زمان انتشار در میان آثار علمی‌تخیلی دسته‌بندی کرده بودند.

در سال ۲۰۱۱ رمان مصور نفت و آب اثر استیو دوین و شانن ویلر واقعه نشت نفت دیپ‌واتر هورایزن را به تصویر کشید، اما تمرکزش فقط بر یک فاجعه زیست‌محیطی آنی نبود، بلکه به آسیب‌هایی که پس از آن به وجود آمد نیز می‌پرداخت. بیل مک‌کین، نویسنده و حامی محیط زیست، در مقدمه‌اش بر این رمان می‌نویسد که هیچ پایانی برای این فاجعه نفتی و آن فاجعه محیطی قابل تصور نیست و این ماجرا به‌رغم ابعاد وسیعی که داشت، هیچ تغییری در صنعت نفت ایجاد نکرده است:

من این مقدمه را دقیقاً یک سال پس از انفجار دیپ‌واتر هورایزن در خلیج مکزیک می‌نویسم، واقعه‌ای که میزان بسیار بسیار زیادی نفت وارد اقیانوس کرد و دست‌کم برای یک تابستان زندگی عادی را در سواحل لوئیزیانا و می‌سی‌سی‌پی در اغما فرو برد. اکنون، دوازده سال